



[20.1001.1.25197126.2023.10.16.4.1](https://doi.org/10.1001.1.25197126.2023.10.16.4.1)

Enclosure of Sheikh Suleman Shah Taunsvi (13th century)

***Rimsha Ali**

****Zarnosh Mushtaq**

Abstract:

Muhammad Darzi was a poet and special disciple of Sheikh Tunswi, he used to attend the meetings of the Sheikh and collect his material under the name of Rahat al-Ashqeen, even writing this material in his own poems. Rahat's Material al-Ashqeen consists of ten chapters and has 650 pages, This precious manuscript is kept in the City Library of Pakistan (Maqdis Sharif) and it was written in 1278 and (Rahit al-Ashqeen) is one of the sources of Sufis and especially But the life and circumstances and teachings of Shah Sulaiman Tunsawi are considered to be the most important and reliable sources and the economy of that time is expressed. The mentioned version is very readable. The basis of this information is the commentary and interpretation of Quranic verses and hadiths, stories of imams, caliphs, and Sufis. In this research, an attempt has been made to introduce the manuscripts (enclosures) of Rahat al-Ishqeen and the biography of Shah Sulaiman.

Keywords: Rahat al-Ashqeen, Musa Darzi, Sulaiman Shah, manuscript, thirteenth century, Tunis Sharif.

ملفوظات شیخ سلیمان شاه تونسوی از قرن سیزدهم هجری قمری

*رمشه علی

*زرنوش مشتاق

چکیده:

موسی درزی شاعر و مرید خاص شیخ سلیمان شاه تونسوی بود او در مجالس شیخ شرکت می کرد و ملفوظات وی را به نام راحت العاشقین جمع آوری کرد. او گاهی مفاهیم و مضامین این ملفوظات را دقیقاً در اشعار خود آورده است. ملفوظات راحت العاشقین مشتمل بر ده فصل است و ۶۵۰ صفحه دارد. این نسخه ارزشمند در کتابخانه شهر (مکهد شریف) پاکستان نگهداری می شود که در سال ۱۲۷۸ نوشته شده است و (راحت العاشقین) یکی از مآخذ صوفیان می باشد. این اثر بویژه درباره حیات و احوال و تعلیمات شاه سلیمان تونسوی مهم ترین و معتبر ترین مآخذ شمرده می شود و شرایط اقتصادی و اجتماعی آن زمان را بیان نموده است. نسخه مذکور بسیار خواندنی است اساس این ملفوظات بر شرح و تفسیر آیات قرآن و احادیث، حکایات ائمه خلفای راشدین و صوفیان می باشد. در این پژوهش سعی بر آن است که مضامین نسخه خطی (ملفوظات) "راحت العاشقین" و زندگینامه شاه سلیمان معرفی شود.

واژگان کلیدی: راحت العاشقین، موسی درزی، سلیمان شاه تونسوی، طریقت چشتیه، تونسہ شریف.

*دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ال سی بانوان لاهور پاکستان zani12@yahoo.com

**استاد پیمانی، دانشکده ادبیات فارسی، دانشگاه ال سی بانوان لاهور پاکستان mushtaqzamoosh@gmail.com

مقدمه:

موسی درزی از مریدان خاص خواجه سلیمان تونسوی[ؒ] بود. در مجالس وی شرکت می کرد و ملفوظات وی را به اسم راحت العاشقین جمع نموده است. اسم پدرش ماجد بود که در شهر منگروته زندگی می کرد. روز خمیس همیشه به تونسسه شریف می آمد و لباس های فقرا و شاگردان سلیمان تونسوی را می دوخت و روز جمعه به خانه خودش بر می گشت. وی در حادثه سقوط ملتان وفات یافت. وقتی از دنیا رفت دو پسر داشت. بعد از وفات خواجه سلیمان تونسوی بیوه و بچه هایش را پیش خودش نگه داشت و در خانه خودش اقامت داد و آنها را تربیت کرد. موسی درزی از سلمان تونسوی بیعت گرفت که زندگینامه وی را نوشته و آن را گلشن اسرار نامید. بعدها اسمش حاجی نجم الدین سلیمانی راحت العاشقین گذاشت و گلشن راز از اسم راحت العاشقین معروف شده است.

سلسله رشد و هدایت از حضرت آدم آغاز شد، به نبوت حضرت محمد کامل شد و به اتمام رسید. همه مسلمانان اعتقاد دارند که بعد از پیامبر آخر الزمان ادعای نبوت کردن سراسر مبتنی بر دروغ است. اما متون عرفانی در امتداد تعالیم انبیای الهی قابل تامل و تفکر می باشد. ملفوظات و نسخه های خطی میراث نیاکان ما است که در آن تمدن و فرهنگ، میراث علمی و مذهبی و تاریخ ما پنهان است که باید حفظ شود. ادبیات فارسی سرشار از متون عرفانی و تصوف است و تفاوت مادگرایی جهان امروز فقط با بازخوانی و ترویج تصوف قابل رفع است.

تاریخچه ملفوظات در شبه قاره:

در قرن هفتم و هشتم، آثار فراوانی با موضوع عرفان و تصوف در شبه قاره هند به وجود آمده اند که از جمله آنها، مجموعه هایی است با نام ملفوظات. احتمالاً از زمانی که نظام مراد و مریدی به وجود آمده است، مریدان و پیروان مشایخ تصوف، به منظور حفظ و پاسداری از اندیشه ها و سخنان پیران خود و ترسیم کردارها، رفتارها و منش های آنان، به ثبت حکایات و توصیف مجالس درس و وعظ آنان اقدام می کردند. آثاری که اینگونه و با این هدف شکل گرفته اند، با نام های مختلف مناقب، مقامات، سیره و مجلس شهرت یافته اند و شاید بتوان گفت که همه به نوعی یادآور مجموعه های حدیث و سیره النبی هایی هستند

که از صدر اسلام بدین سو، در بیان گفتار و احوال و رفتار پیامبر نوشته می شد. از زمره همین آثار بود آنچه (ملفوظات) گفته می شد.

ملفوظات در اصلاح به مجموعه ای از گفتار های مشایخ صوفیه گفته شده است که روزانه به وسیله مریدان نوشته شده و تنظیم و ترتیب یافته است. این مجموعه ها به لحاظ ادبی، دینی، فرهنگی، تاریخی و... اهمیت به سزایی دارند؛ زیرا علاوه بر اینکه شامل بسیاری از اشعار، حکایات، آیات و اشارات قرآنی، احادیث متداول در میان صوفیه و نقل قول های بزرگان و صوفیان پیشین هستند، اطلاعات ارزشمندی را نیز در حوزه مسائل دینی، تاریخی، فرهنگی، و احیانا اجتماعی و اقتصادی عصر مولف در بر می گیرند.

تدوین ملفوظات به دو طریق انجام می گرفت: نخست، سخنان شیخ روز به روز، و به ترتیب زمانی، با ذکر تاریخ نوشته می شد؛ دوم، سخنان شیخ پس از وفات او فراهم می آمد و طبعا با شرح حال، تعالیم، کرامات و ریاضات در می آمیخت و لزوما آن ترتیب زمانی را نداشت؛ اما گفتار های شیخ را به همراه داشت. به عنوان نمونه برای نوع دوم می توان به کتاب حالات و سخنان شیخ ابو سعید بن ابو الخیر نوشته جمال الدین ابو روح، نبیره شیخ، اشاره کرد.

آثار دسته نخست از آنجا که مستقیما و بی فاصله نوشته می شد و گاهی نیز در پایان، شیخ آنها را از نظر می گذارند و درستی آنها را تایید می کرد، از اعتبار بیشتری نسبت به آثار دسته دوم برخوردار بودند. ملفوظات شناخته شده صوفیان هند بر حسب تاریخ انعقاد مجالس تنظیم شده اند؛ مانند فواید الفواد (مجموعه سخنان شیخ نظام الدین اولیاء) و یا بر حسب موضوع، مانند معدن المعانی (مجموعه سخنان شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری) و گاهی نیز در نقل ملفوظات شیخ ترتیبی رعایت نشده است؛ مانند احوال و سخنان خواجه عبید الله احرار.

سلسله چشتیه:

سلسله چشتیه که معروف ترین و بزرگ ترین سلسله عرفای شبه قاره هند و پاکستان شمرده می شود. بزرگان و عرفای این سلسله در سراسر هندوستان برای ترویج اسلام و تشکیل یک جامعه امنیت و هماهنگ سعی بسیار کردند و زحمت ها کشیدند.

کلمه چشتیه از چشت مشتق است که: "قریه ایست نزدیک هرات." (معین، دکتر محمد، 1375: 442) و در فرهنگ عمید در ضمن چشتیه و چشت آمده است: "نام سلسله ای از متصوفه هند منسوب به خواجه ابو

احمد چشتی، از مردم چشت، قریه ای در نزدیکی هرات که در قرن چهارم هجری می زیسته." (حسن عمید، 1378: 880)

در آثار و تذکره های تاریخی درباره هرات آمده است: در افغانستان نزد رود هری سه شهر موجود اند. فیروزکوه، چشت و جام. این اتفاق عجیبی است که این سه شهر در یک موقعیت شهرت یافتند که از اینجا نهضت های مذهبی، فرهنگی و سیاسی آغاز شدند. فیروزکوه دارالسلطنت حکومت شنسبانی بود و شهاب الدین غوری همان جا پرورش یافت. در چشت شیخ ابو اسحاق یک سلسله عرفانی را بنا کرد و جام از حیث یک مرکز فرهنگی شهرت یافت." (نظامی، خلیق احمد، 1985: 189)

در تذکره ها و آثار تاریخی آمده است که: "خواجه معین الدین چشتی سجزی² در دوره پرتھوی راج وارد هند شد و اجمیر را مستقر خود ساخت و سلسله چشتیه را در هند رواج داد. (همان: 178)

در کتاب ها این هم نوشته شده است که چند نفر از سلسله چشتیه قبل از خواجه معین الدین چشتی² در هند تشریف آورده بودند. مولانا جامی در نفات الانس می نویسد: "خواجه ابو محمد بن ابی احمد چشتی قبل از ایشان در هند تشریف آورده بود." (جامی، 1284: 207)

درباره موسس و بنیان گزاران سلسله چشت در سراسر جهان بالخصوص در هند در "ثمرات القدس" نوشته است: "ابو اسحاق شامی (متوفی 329 هـ-ق) اولین کسی بود که به چشتی معروف شد. پنج تن از بزرگان این سلسله عبارتند از: خواجه احمد حسینی²، خواجه ابو احمد ابدان²، خواجه محمد چشتی²، خواجه ابو یوسف چشتی² و خواجه مودود چشتی². از خلفای صاحب نام این سلسله می توان از خواجه معین الدین چشتی²، قطب الدین بختیار کاکئی²، خواجه فرید الدین گنج شکر²، خواجه نظام الدین اولیا² و خواجه نصیر الدین محمود چراغ دهلوی² نام برد." (بدخشی، لعل بیگ لعلی، 1376: بیست و شش)

وقتی که این عرفا و صوفیان وارد منطقه هند شدند، اوضاع سیاسی و اجتماعی خیلی نامساعد بود از حیث معاشرت، فرهنگ و مذهب نه فقط خیلی بد بود بلکه خلاف تعلیمات اسلام هم بود. این کار بزرگ را عرفا و صوفیان انجام دادند و نه فقط یک فرهنگ و ثقافت جدید معرفی کردند بلکه یک مذهب حقه را درین منطقه ی کفرو الحاد بنا نهادند و در مدت مختصر در سراسر هند سلسله چشت را منتشر کردند. در "سیر الاولیا" آمده است: "و کرامت دیگر آنکه مملکت هندوستان تا حد بر آمدن آفتاب همه دیار کفر و کفری و بت پرستی بود و متمردان هند هر یکی دعوی انار بکم الاعلی می کردند و خدای را اجل و اعلی شریک می گفتند و سنگ و کلوخ و دار و درخت و ستورگا و سرگین ایشان را سجده می کردند و به

ظلمت کفر قفل دل ایشان مظلم و محکم بود... به وصول قدم مبارک آن آفتاب اهل یقین که بحقیقت معین الدین² بود ظلمت این دیار به نور اسلام روشن و منور گشت." (کرمانی، میر خورد، 1302: 47)

سلسله چشتیه درین منطقه با سرعت خاصی پیشنهاد کرد و در سراسر این منطقه رواج داشت. در سلسله عرفای چشتی کتاب "عوارف المعارف" تصنیف شیخ شهاب الدین سهروردی³، اهمیت خاصی داشت و شیوخ این سلسله با کمک این کتاب تصوف و مدارج و تعلیمات تصوف را به مریدان تدریس می کردند. پیشرفت چشتی ها خیلی سریع بود. علل و وجوه آنها را چنین می نویسد: "پیشرفت سلسله چشتیه میان مردم شبه قاره در ویژگی خاص این سلسله هستند: اول دوری گزیدن از اصحاب قدرت و به سر بردن به کنج فقر، با ریاضتهای شاقه و مراقبه دوم، گرایش فراوان به ذوق وجد و حال و سماع." (بدخشی، مرزا لعل بیگ لعلی، 1376: بیست و شش)

عرفای چشتیه برای ترویج و تبلیغ اسلام در سراسر هند منتشر شدند و خانقاها بنا کردند و رشد هدایت را آغاز کردند. سلسله چشتیه را در چهار ادوار تقسیم کرده اند.

"اول: دوره مشایخ عظام از 597 هـ / 1200 م تا 757 هـ / 1356 م، دوم: خانقاهای محلی و استانها. از سده هشتم هجری / چهاردهم میلادی تا سده نهم هجری / پانزدهم میلادی، سوم: اوج سلسله صابریه از سده نهم هجری / پانزدهم میلادی تا دوازدهم هجری / هیجدهم میلادی، چهارم: احیا سلسله نظامیه از سده دوازدهم هجری / هیجدهم میلادی تا کنون.

در دوره اول خانقاهای زیادی در راجپوتانه، اتر پردیش و پنجاب وجود نداشت. وقتی شاه محمد بن تغلق صوفیان را در سراسر کشور منتشر کرد شیخ نصیر الدین چراغ دهلوی⁴ این فرمان محمد بن تغلق را قبول نکرد ولی مریدان و شاگردان و عرفای شیخ نظام الدین اولیا⁵ در مراکز مختلف به ریاستهای هند رفتند و تعلیمات تصوف و عرفان را در سراسر شبه قاره پخش کردند و رواج دادند." (اردو دایره المعارف اسلامی، ج 7، بی تا: 648-649)

شیخ نصیر الدین چراغ دهلوی⁴ دعوت محمد بن تغلق را رد کرد ولی بعضی از صوفیه این دعوت را قبول کردند بعنوان کارمندان دولتی کار را آغاز کردند. در نتیجه آن به مرکزیت سلسله چشتیه کمی ضرر رسید ولی این سلسله توسط مریدان خواجه نظام الدین اولیا⁵ رشد یافت و در سراسر هند رواج پیدا کرد. شیخ سراج الدین المعروف به اخی سراج⁶ در بنگال، سید نور قطب عالم⁷ و سید اشرف سمنان⁸ سلسله چشتیه را در سراسر بنگال و بهار و در شرق اتر پردیش رواج دادند. شیخ برهان الدین غریب⁹ سلسله چشتیه را در

دکن رواج دادند. گجرات مریدان خواجه قطب الدین بنام شیخ حمید الدین سلسله چشتیه را آغاز کردند. بعداً مریدان شیخ نظام الدین اولیاء، سید حسن، شیخ حسام الدین مولتان، شیخ بارک الله و علامه کمال الدین بطریق احسن کارش را بیابان رساندند. همین طور مریدان خواجه نظام الدین اولیاء در مالوه هم سلسله چشتیه را بنا نهادند. اسامی آنها شیخ وجیه الدین یوسف، شیخ کمال الدین و مولانا مغیث الدین هستند. مراکز صابریه چشتیه در سراسر هند اهدا شدند.

در ایالت سهارنپور استان یوپی، پانی پت، اوده، ررکی، رنولی، باره بنکی، گنگوه، مظفر نگر، امره، اله آباد، مراد آباد، دیوبند. آنها نسیرو دیگر شهرهای معروف هند مراکز سلسله چشتیه برپا شدند. شاخه چشتیه بنام نظامیه را شاه کلیم الله جهان آبادی آغاز نمودند. بصد امر شیخ نصیر الدین چراغ دهلوی بزرگ ترین عارف چشتی بودند که روایات قدیمی چشتیه را دوباره معرفی کرد و تجدد نظر نمود. خلفای او شیخ نظام در اورنگ آباد چشتیه را آوردند. پسرش شاه فخر الدین در دهلی تشریف آوردند و مرکز عرفا را بنا نهادند. او توسط خلفای وی سلسله نظامیه چشتیه در سراسر پنجاب پیشنهاد کرد و بتدریج به تونس، چاچران، کوت منهن، احمد پور، ملتان، سیال، گولره و جلال پور رسید. (اردو دایرة المعارف اسلامی، ج 7، بی تا: 648-652)

در پنجاب فرید الدین گنج شکر پاک پتنی (1246/642) سلسله چشتیه را آغاز نمود. جمال الدین هانسوی (1246/644) و صابر کلیری (1291/691) کمک فراوان فراهم آوردند. نور محمد مهاروی (1790/1205)، محمد عاقل (1813/1229)، حافظ جمال ملتانی رحمة الله (1226 هـ/1811 م)، شاه محمد سلیمان تونسوی (1267 هـ/1890 م)، گل محمد احمد پوری رحمة الله علیه (1243 هـ/1827 م)، مصنف تکمله سیر الاولیاء، خدا بخش ملتانی رحمة الله علیه، الله بخش رحمة الله علیه (1901 م)، شمس الدین سیالوی رحمة الله علیه (1300 هـ/1882 م)، پیر مهر علی شاه رحمة الله علیه گولروی، غلام حیدر علی شاه رحمة الله علیه جلالپوری (1908 م)، خواجه غلام فخر الدین رحمة الله علیه (1288 هـ)، خواجه غلام فرید رحمة الله علیه منهن کوتی (1319 هـ)، خواجه محمد بخش (1329 هـ)، خواجه محمد معین الدین رحمة الله علیه (1337 هـ)، حضرت خواجه محمد یار فریدی رحمة الله علیه (1367 هـ) بر جسته ترین صوفیان این طریقت هستند که در ترویج سلسله چشتیه در سراسر پنجاب سهم سرشاری دارند. اغلب اینها در زبان های محلی شعر هم سرودند. در پنجابی، سرائیکی، اردو، عربی و فارسی اشعار آنها در تذکره ها و دواوین وجود دارد. (اسحاق قریشی، دکتر محمد، 2013: 87-146)

اگر تاریخ ملفوظ نویسی را از آغاز در نظر بگیریم می بینیم که قبل از ملفوظات نویسی نوعی ادبیات به نام مجلس گویی در متن کهن فارسی رایج بود. این مجلس گویی در آغاز به صورت شفاهی بود اما با مرور زمان این مجلس گویی به صورت نگارش در آمده بود اگرچه ملفوظات به صورت و شیوه قدیمی نوشته می شد اما با این وجود لغات و جمله بندی، صرف و نحو و روانی و لطافت گفتار به نحو احسن از اینها پیداست. صوفیان معمولاً به جای معادلهای قدیمی واژگان و عبارات که خودشان می پسندیدند می گذاشتند و بعداً با آیه و تفاسیر توضیح لغوی و بیانی می آوردند.

در اصل "صوفیان همه پیرو یک طریقت یا سلسله نبوده و اعتقادات فقهی و کلامی متفاوت داشتند اما صوفیان در دوره های مختلف تاریخی با عکس العمل های متفاوت حکومت و مردم مواجه می شدند و برای اجرای مناسک خود اجازه آزادی عمل داشتند، سادگی و رعایت مهم ترین ویژگی این نوع نثر است که به اقتضای حال می باشد" (میر علی شیر قانع، 1203: 322)

پیشینه ملفوظات نویسی از دیر باز در شبه قاره متداول بوده است مخصوصاً در سلسله چشتیه که مهم ترین و گسترده ترین سلسله تصوف به شمار می رود. در این سلسله حدوداً همه صوفیان کرام سعی نموده اند که با گفتار و سخنان ارزشمند خود برای مردم راه مستقیم و درست را روشن سازند.

تهیه ملفوظات در شبه قاره هند، روش معمول صوفیان چشتیه بوده و ما چیزی از این نوع ادبیات، درباره مشایخ پیش از آنها نمی شناسیم چشتیان بر این عقیده بودند کیفیتی که در ضمن سخنرانی در مجالس به مریدان دست می دهد، از این طریق قابل انتقال است. (محموده هاشمی، 1996: 174)

در قرن هشتم، تمایل به ثبت این نوع ادبیات متداول شد و مجموعه هایی مانند (احسن الاقوال) (سخنان شیخ برهان الدین غریب) و (جوامع الکلام) (سخنان محمد گیسودراز) پدید آمد. علت قوت این تمایل، ظاهراً، نیاز به فراهم آوردن اطلاعاتی درباره اولیای پیشین طریقه چشتیه تا زمان شیخ نظام الدین اولیاء بود. و گفته اند جعل آثار مشایخ (به ویژه آثار شیخ نظام الدین اولیاء و اسلافش) شیخ نظام الدین را بر آن داشته بود تا مریدش، امیر حسن سجزی، را به تحریر سخنان خود ترغیب کند. تدوین ملفوظات که با تبعیت از کار مریدان شیخ نظام الدین اولیاء انجام گرفت، به تدریج، به یکی از سنت های خانقاهی تبدیل شد. (رضوی، ج 1، بی تا: 274-291)

معرفی نسخه خطی راحت العاشقین:

نسخه خطی راحت العاشقین از موسی درزی، ملفوظات شاه سلیمان تونسوی است که صوفی و درویش معرفت اواخر قرن سیزدهم هجری می باشد. در این نسخه سخن های سلیمان تونسوی، آیات، احادیث و اشعاری معروف از شعرای بزرگ استفاده شده است.

موسی درزی کاتب خودش شاعر بود چون مرید خاص شاه سلیمان تونسوی بود، خیلی به او عقیده داشت و حتی برای نوشتن این ملفوظات جابجا از اشعار خودش هم استفاده کرده است. تخلص او نیز "مسکین" بود.

مشخصات نسخه:

این نسخه مشتمل بر ده فصل است و 650 صفحه دارد که بسیار جذاب و خواندنی می باشد. راحت العاشقین سه نسخه خطی دارد که در سالهای 1278، 1310، 1356 نگاشته شده اند. این نسخه ای که در دست ماست و برای نقد و بررسی و حواشی و تعلیقات مورد استفاده قرار گرفته است در کتاب خانه مکه شریف موجود است و در سال 1278 نوشته شده است. یک نسخه از این کتاب در کتاب خانه شخصی مولوی رمضان معینی در تونسسه شریف هم وجود دارد. عناوین فصول راحت العاشقین به قرار زیر است:

فصل اول: در بیان چهار کرسی ذکر و ذکر اولاد و امجاد و احوال کوهستان

فصل دوم: در بیان اوقات طلب علم و تشریف بیعت و سفر هندوستان

فصل سوم: در بیان یافتن رتبه خلافت و ارشاد غلامان و احوال مهاران

فصل چهارم: در بیان ارشاد مریدان و سبب بیعت ایشان نفعهم الله تعالی

فصل پنجم: در بیان گذر کردن از دریا ها و بذات خود و دستگیری غلامان

فصل ششم: در بیان نجات یافتن غلامان از عارضه جنیان و امراض دیگر

فصل هفتم: در بیان و احوال رویای آنجناسب و توجه فرمودن به مریدان در خواب

فصل هشتم: در بیان و احوال سلاطین و حکام از مومنان و نیز از کافران

فصل نهم: در بیان تعلیم سالکان و احوال مریدان صادق و اولاد و بزرگان

فصل دهم: در بیان مناجات منظومه آنجناب و خاتمه کتاب و ذکر وفات

موضوعات نسخه :

ذکر ابراهیم، ذکر مردود، ذکر دستار بندی محمد بهاول خان، پادشاه سرزمین بابل چیطور از ایران به طرف هندوستان کوچید، بعد شکست خوردن وی و از راه دیره اسماعیل برگشت به ایران، حمله نادر شاه به هندوستان، فتح یافتن وزیر آصف الدوله، خلافت کردن چهارده پشت از خاندان جغتائی، سازش ها در هندوستان بویژه در منطقه پنجاب، جنگ و جدال و تلاش های مختلف برای گرفتن مسند سلطنت، اجازه داری باز در این همه مشکلات و چطور شاه سلیمان تونسوی به مردم کمک کردند. مباحث فوق بطور مفصل در نسخه خطی مذکور ذکر شده است.

در این کتاب نظام کشورزی آن زمان توضیح داده شده است. اوضاع و احوال خانقاه و تاثیر آن بر شرایط عصر را به تفصیل بیان کرده و صوفیان متقدمین برجسته زمان را با اهتمام ذکر نموده است. افرادی که در عصر او می زیستند و به تونس شریف آمد و رفت داشتند.

ضمن بیان حمله نادر شاه بر هند، توضیح داده است که چطور نادر شاه مناطق غربی رود سند را تسخیر نمود و به حدود ایران ضمیمه کرد و بدنبال آن منطقه پنجاب جزو کشور ایران گردید، ولی بعدا مغولان متأخر این مناطق را باز گرفتند و دوباره به شبه قاره هند پیوستند. اما دوباره ابدالی ها تسخیر کردند و در اینجا رویه ابدالیان رواج یافت. بعد ها سیک ها این منطقه را تسخیر کردند و زیر تسلط خود آوردند که در 1849 انگلیس ها سراسر این منطقه را تحت حاکمیت خود قرار دادند. در سال 1850 شاه سلیمان تونسوی وفات کرد. این کتاب به مدت سه سال میان 1275-1278 نگاشته شده است.

زندگینامه خواجه سلیمان تونسوی معروف به حضرت پیر پتهان:

(1184 هـ - 1770 م - 1227 هـ - 1850 م)

سلطان تارکان، برهان عارفان، دلیل واصلان، محبوب الرحمن، حبیب سبحان حضرت خواجه محمد سلیمان یکی از خلفای کبار و نامدار حضرت خواجه نور محمد مهاروی (متوفی 1205 / 1790 م) بود. وی عارف کامل، صوفی با صفا، زاهد بی ریا و عالم بی مثال بود. شهره عبادت، ریاضت، کشف و کرامات وی از شرق تا به غرب رسیده بود. طالبان راه حقیقت و سالکان جاده طریقت از هند و سند، بلوچستان و

افغانستان، عرب و عجم و روم و شام به وی مراجعت می نمودندوی توسط خلفای نامدار و کامگار خود
 طریقه چشتیه را مثل خواجهگان بزرگ وسعت و گسترش شایان داد. (سلیمانی، نجم الدین، 1987: 279)

تولد خواجه سلیمان تونسوی :

خواجه محمد سلیمان² در سال 1184 هـ - 1770 م در دهکده گرگوجی چشم به جهان گشود که در غرب
 شهر تونس قرار داشت و شهر تونس در ایالت دیره غازی خان در پنجاب فعلی پاکستان وجود دارد. اسم
 مادرش بی بی زلیخا و پدرش زکریا بن عبدالوهاب بود. دنیا کان وی از شاخه جعفریه یا جعفر خانی از قبیله
 افغانه بودند و به این سبب طبق روال آن زمان مردم وی را روهیله نیز می نامیدند. (قدوسی، اعجاز
 الحق، 1996: 627)

تحصیلات خواجه سلیمان تونسوی :

خواجه محمد سلیمان² تحصیلات مقدماتی را در مکتب و مدرسه گرگوجی به پایان رسانید و قرآن پاک را نیز
 حفظ کرد. پس از آن از تونس، لانگه و کوت متهن از محضر استادان مانند مولوی حسن علی، مولوی ولی
 محمد و خواجه قاضی محمد عاقل چشتی (م 1229 هـ) علوم متداول و زبانهای عربی و فارسی را یاد گرفت. در
 آن روزها حضرت خواجه نور محمد مهاروی (م 1205) از چشتیان به کوت متهن تشریف آورد که یکی از
 مشایخ کبار و نامدار سلسله چشتیه و خلیفه با وقار حضرت فخر الدین فخر جهان دهلوی (متوفی: 1199 هـ
 - 1748 م) بودوی به خدمت خواجه مهاروی رسید و به دست حق پرست آن حضرت بیعت کردوی نزد
 مرشد خود کتاب های پُر ارزش مانند آداب الطالبین، فقرات، لویح، عشره کامله، فصوص الحکم و غیره را
 خواند.

وی در برابر تحصیل علوم ظاهری و باطنی مراحل سلوک را نیز طی نمود و به خلافت خواجه مهاروی
 رسید. او با اجازه مرشدش برای زیارت حضرت خواجه فخر الدین فخر جهان دهلوی به دهلی رهسپار

شدو در دوران مسافرت از آرامگاه های خواجهگان سلسله چشتیه باز دید کرد. متأسفانه وقتی که وی داخل دهلی شد، فقط دو روز پیش خواجه فخر الدین دهلوی فوت شده بود. وی به مدت چهل روز بر مزار آن حضرت مراقب ماند. پس ازان وی به مهار شریف به خدمت خواجه نور محمد مهاروی رسید و قضیه را برای مرشدش بیان کرد. (مجددی، محمد اقبال ج 1، 2013: 401)

خواجه محمد سلیمان تونسوی[ؒ] با دستور مرشد خود در تونس یک مدرسه را بنا کرد که یواش یواش صورت دارالعلوم بزرگی در آمد و طبق گفته مورخان و تذکره نویسان پنجاه استاد و صدها دانشجو آنجا مشغول درس و تدریس بودند. این جستجو گران راه حقیقت و سالکان جاده طریقت از مناطق دور و دراز به آن دارالعلوم مراجعت می کردند و از محضر خواجه تونسوی[ؒ] کسب فیض می نمودند. عاقبت این چراغ روشن سلسله چشتیه که از نور خود تیرگی کفر و جهالت را بر طرف ساخت، به روز هفتم صفر در سال 1227 هـ / 1850 م خاموش شد و در عبادت خانه خود به خاک سپرده شد. (لاپوری، غلام سرور 1994 م ج 1، ص 514، نظامی، خلیق احمد ص 662، قدوسی، اعجاز الحق ص 664، چشتی، افتخار احمد 1995 م، ص 155، عنصر اظهر ص 88، کلیم، دین محمد ص 162، مجددی، محمد اقبال ص 452، قریشی، عبدالجبار ص 259، شارب ص 235)

آثار خواجه محمد سلیمان تونسوی :

خواجه محمد سلیمان تونسوی[ؒ] عالم بی مانند و فاضل بی بدیل زمان خود بود اما متأسفانه وی اثر مثنوی و منظوم تالیف نکرد. البته ملفوظات و ارشادات پُر ارزش وی را به صورت کتاب توسط مریدان و خلفای وی جمع آوری شده اند که معروفترین آنها "مناقب المحبوبین" از نجم الدین سلیمانی و نافع السالکین" از مولوی امام الدین است.

منقبت سرایی خواجه محمد سلیمان تونسوی:

خواجه محمد سلیمان تونسوی نوق عالی به زبان و ادبیات فارسی داشت و به زبان فارسی شعر نیز می سرودوی اشعار فارسی از شعرای بزرگ ادبیات فارسی مانند حافظ، سعدی و مولانا در مواظ و صحبت های خود به میان آورده است که در ملفوظات و تذکره ها می توان دید. گاهی اوقات نیز اشعار پرمعنی و بدیع به زبان فارسی سروده است که بعضی از مناجات و نعت و رباعیات و ابیات سروده شده وی در تذکره ها دید می شوند. ابیات چند از مناجات معروف وی بدین قرار است:

یا الهی عفو کن تقصیر ما

نیست جز تو کو کند تدبیر ما

دستگیری کن مرا یا دستگیر

زانکه جز تو نیست ما را دستگیر

کس نگشته از در تو نا امید

ای امید و ای امید وای امید

ای کریم العفو سنار العیوب

انتقام از ما مکش اندر ذنوب

چو سلیمانم بکردی ای کریم

حفظ ایمان کن ز شیطان رجیم

(چشتی، افتخار احمد، 1995:192)

خواجہ محمد سلیمان تونسوی[ؒ] در منقبت و ستایش حضرت پیامبر اکرم[ؐ] نعت زیبایی سروده است کہ بہ قرار ذیل است :

ای سرور دو عالم یک جلوه ده بہ ما

عینای تطلبانک اجلس علیہما

از درج برج پٹرب بر ما بکن طلوع

حتی نراک عینا کالشمس فی الضحیٰ

بخرام بر فلک کہ بہ درد فراق تو

جبریل با ملائک بیکی علی السما

درد مرا وصال تو درمان ست ای طبیب

یشفی لنا لقائک فی وجهک الشفا

نطقت بہر بیان تو وحی خدا است بس

یہدی لنا الیہ و ما ینطق عن الہویٰ

شد از طفیل ذات تو ایجاد کاینات

با جملہ انت مقصد کونین و ماوری

سید تویی که ماه فلک از تو شد دونیم

یا مظهرالعجایب اجلس علی العلی

یوسف بدین جمال زحسنت نمونه

اذنی کمال حسنک لم نذر مثلها

از توبه نوح و آدم شد حل مشکلات

نار الخلیل بارده منک سیدا

شاهی و فخریافت سلیمان ز نور تو

سبحان من اعزک یا مظهر العطا

(چشتی، افتخار احمد 1995 م: ص 194)

ملفوظات شاه سلمان تونسوی:

تفسیر: خواجه مجد سلمان تونسوی در ملفوظات خودش آیات قرآن کریم را آورده است تا تصدیق باشد بر کلامی که می گوید. ازین رو می توان گفت که به نوعی تفسیری از قرآن پاک را هم مشاهده می کنیم -

رحمت خداوند:

حضرت قبله می فرمودند که سالک باید همیشه امیدوار رحمت خدا باشد. در همه کار خدا حکمت می باشد و ذات خدا پاک و رزاق است. ذات خداوند هیچ وقت ستم نمیکند و سالک باید هر وقت ذکر خدا کند و باید از ذات حق تشکر کند.

سالک باید همه وقت پیروی از سنت را انجام بدهد و بعد از آن تاکید توکل بر خداتعالی فرمودند:

باید بر ذات خدا هر وقت توکل داشته باشد و نیز در ادامه فرمودند: محبت اولیاء را باید با سعادت و عقیدت اختیار کنید.

ذات خدا باید همیشه دیگران را نفع برساند از غیبت اجتناب کنید و علم با عمل باشد. (للهی محمد، 1961:13)

حدیث: در حدیث نیز وی توحید "، معرفت خدا، و معرفت نفس را مفصل بیان کرده است.

خدای تعالی جمال را دوست دارد و ازلی است. به مردم رحم کنید تا خدا بر شما رحم کند خدا اعمال خودتان را به شما بر می گرداند، حاکم شما هستند با خلق حق تعالی محبت کنید فضیلت سخاوت و علم را توصیه بسیار نموده است. (للهی محمد، 1961:49)

فقه:

وی درباره فقه به موضوعات ذیل پرداخته است:

مثال:

عبادت خدا، پیروی شریف، در راه حق خرج کردن و... برکات رزق حلال است. (للهی محمد، 1961:5)

اخلاقیات مورد لحاظ درملفوظات خواجه سلیمان تونسوی:

سخاوت و خدمت خلق خواجه سلیمان تونسوی درس اخوت و رواداری می دهد. سخاوت و خدمت خلق را از فضائل اخلاق می شمرد. درباره اهمیت صدقه و خیرات توضیح داده و فرمودند که سالک باید زهد و تقوی و ورع را اختیار کند.

در توصیف هدایت شفقت و رحمت فرمود، و انسان را از دیدن حقارت ممانعت کردند و گفتند. سالک باید فقط به اعمال نیکو توجه کند و مجلس صوفیاء و علماء را اختیار نماید.

سالک باید تحمل داشته باشد و بر مردم شفقت کند و در ادامه بیان داشتند: سالک باید باطن خود را از بدی و گناه پاک کند. و بعد ازین هر چیزی که بر زبان وی آید باید پاک شود.

حیا جزو ایمان است -

اخلاق خوب در اعمال پسندیده می باشد از خوردن حرام و حرام آوری دوری کنید .

با مردم بد هم باید نیکی کنید -

دیگران را همیشه تلقین صبر می کرد و می فرمودند قناعت را اختیار کنید و امر به خدمت والدین می داد و توصیه می کرد که با همه خلق باید ارتباط خوب داشته باشید و با هم زندگی کنید -

از دروغ اجتناب کنید -

جانوران را اذیت نکنید -

بدقول نباشید، و فرمودند از نفرین مظلوم، باید بترسید... (للهی محمد، 1961:3)

مسائل اجتماعی:

راقم در این کتاب در باره "پنجاب" لنگر، تجدید و ارتقاء سلسله چشتیه (قدن 19، 18)

خیلی مفصل بیان کرده است.

این در ملفوظات در ذهن خواجه محمد سلیمان تونسوی یک شکل منظم به خود گرفته بود از ملفوظات

خواجه تونسوی همچنین نقل شده است که خدمت اجتماعی را بتوانیم دریافت کنیم -

علم آموزی :

در تصوف بر حصول علم خیلی تاکید داشته و به علم ظاهری و باطنی توجه خاصی داده می شود .
خواجه تونسوی خودش هم بر این روش بود و همواره به مداراس تاکید زیاد داشت .

نه فقط استادان زیاد را جمع کرده بلکه برای انها بورسیه هم تعریف کرده بود از تلاش خواجه سلیمان
تونسوی "تونسه شریف" مرکز تحصیلاتی شده بود که هزاران دانشجو تحت تحصیل در آنجا فعال بودند.

سماع :

خواجه سلیمان تونسوی خیلی ذوق سماع داشتند درباره آداب و طریق سماع سفارش زیادی داشت
چنانکه گفته اند وقتی داشت سماع را گوش می داد از چشمان او اشک خون مانند رودی جاری شده بود .

خواجه سلیمان تونسوی در اواخر زندگی اش در تونسه شریف عرس قبله عالم رو منعقد می کرد اما
مجلس سماع را برگزار نمی کرد

لباس خواجه محمد سلمان تونسوی:

در کتاب مناقب المجوبین خواجه تونسوی درباره لباس آمده است: "کلاه قادری چهار رنگ سفید ترکیه و
قرمز غزنی بر سر وی بود که اطراف هردو تا محراب داشت. قبل از این در اویش هندوستان لباس رنگین
نمی پوشیدند. غذای وی خیلی ساده و کم بود و به شاعری علاقه داشت.

خلفا و مریدان شاه سلیمان تونسوی عبارتند از :

خواجه شمس الدین سیالوی

خواجه الله بخش تونسوی

مولانا محمد علی مکهای

حاجی نجم الدین سلیمانی

سید حافظ محمد علی خیر آبادی

نتیجه گیری:

راحت العاشقین یک از مآخذ مهم صوفیان و عارفان سلسله چشتیه است که مهم ترین شاخه صوفیان ، نه فقط در پنجاب و پاکستان بلکه در سراسر شبه قاره محسوب می شود و بالخصوص درباره حیات و احوال و تعلیمات شاه سلیمان تونسویّ مهم ترین و معتبر ترین مآخذ شمرده می شود. این کتاب بطور کلی اوضاع و احوال فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمانه را بیان نموده است. علاوه بر شرایط زمان ، اطلاعات خوبی در باره زندگی و اخلاقیات فردی و اجتماعی شاه سلیمان تونسویّ در اختیار محققان قرار می دهد. تاکید و توجه بر ملفوظات شیخ نه تنها بیانگر افکار و عقاید او در باب طریقت است بلکه الگو های فکری و اخلاقی را سفارش نموده است که برای بهبود زندگی اجتماعی و رواداری توده مردم بسیار سودمند می باشد.

منابع:

- ### - اظهار، دکتر سید عنصر، (2019) بررسی شعر فارسی خانقاهای معروف سلسله چشتیه در پنجاب (پاکستان)، پایان نامه دکتری، لاہور: گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جی سی
- ### - امینی نژاد، علی (بی تا) مبانی عرفان اسلامی، تهران: انتشارات موسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی.
- ### - بدخشی، مولانا لعل بیگ لعلی (1374) ثمرات القدس من شجرات الانس، مقدمه و تصحیح و تعلیقات، دکتر سید کمال حاج سید جوادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ### - جامی، مولانا عبدالرحمن (1284) نفحات الانس، مطبوعه بمبئی.
- ### - چشتی، افتخار احمد (1995) تذکره غوث زمان: حضرت خواجه محمد سلیمان تونسوی، فیصل آباد چشتیه اکادمی.
- ### - حسن عمید (1378) فرهنگ فارسی عمید، ج اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ### - حسن عمید (1378) فرهنگ فارسی عمید، ج دوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ### - رضوی، سید اطهر عباس، (۱۳۸۰) تاریخ تصوف در هند، منصور معتمدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ### - سلیمانی، نجم الدین، (1987)، مناقب المحبوبین، مترجم: افتخار احمد چشتی، فیصل آباد: چشتیه اکادمی.

##- شارب، ظهور الحسن (2014) دکتر تذکرہ اولیائے پاک و ہند، لاہور: الفیصل ناشران
کتب، اردو بازار.

##- قدوسی، اعجاز الحق (1996)، تذکرہ صوفیائے پنجاب کراچی: سلمان اکادمی.

##- قریشی، اسحاق (2013) بہار چشت، گرہی شریف رحیم یار خان.

##- قریشی، عبد الجبار، دکتر (2005) پاکستان میں سلسلہ چشتیہ کی دینی و علمی خدمات
، پایان نامہ دکتوری، دانشگاه کراچی: کلیہ معارف اسلامیہ.

##- کرمانی، میر خورد (1302) سیر الاولیاء (فارسی)، دہل: محب ہند.

##- لاہوری، غلام سرور، کابل (1994) خزینتہ الا صفیاء، ج 1، انصاری کتب خانہ، بازار
کتاب فروشی.

##- للہی محمد حسین (1961) نافع السالکین لاہور: شعاع ادب.

##- محمودہ ہاشمی (1996) تحول نثر فارسی در شبہ قارہ، اسلام آباد: انتشارات مرکز تحقیقات
فارسی ایران و پاکستان.

##- مجددی، محمد اقبال (2013) تذکرہ علماء و مشایخ پاکستان و ہند، ج 1، لاہور: پروگریسو بکس
اردو بازار.

##- معین، دکتر محمد (1375) فرهنگ فارسی، ج 5، تہران: انتشارات امیر کبیر.